

آیا تا به حال به این اندیشیده اید که ما با این وضعیت درونی ، که پر از چیزهایی است که خودمان هم آن را دوست نداریم ، چگونه می توانیم به حضور پاک و مقدس خدا راه یابیم؟ کلام خدا می گوید: " کیست ای خداوند که از تو خوف نداشته باشد و کیست که تو را جلال ندهد؟ زیرا تو تنها مقدسی... " (مکاشفه ۱۵: ۴). واقعا که فقط خدا است که مستقل و ابدی و مقدس است. اغلب در کلام خدا می بینیم که خدا " ای خدای مقدس " خطاب می شود. به این دلیل است که خدا در کل وجودش پاک و بی عیب و عالی است و ما قدوسیت کامل را فقط و فقط در خدا می توانیم ببینیم. در خدا حتی سایه ی گناه هم نیست. کلام خدا می گوید: " خدا نور است و هیچ ظلمت در او نیست. " (اول یوحنا ۱: ۵). خوب است بدانیم که در واقع قدوسیت جز اساسی ماهیت و الوهیت خدا است. ما نیز باید همراه با کلام خدا بگوییم " کیست مثل تو عظیم در قدوسیت " (خروج ۱۵: ۱۱). به خاطر همین ما در کلام خدا می خوانیم که می گوید: " چشمان تو (ای خدا) پاک تر از آن است که بر گناه بنگرد (حقوق ۱: ۱۳) بسیار جالب است که همانطور که قدرت خدا درست در نقطه ی مقابل ضعف مخلوق قرار گرفته است به همین ترتیب هم قدوسیت خدا در مقابل ذات گناه آلود انسان قرار گرفته است . همان طور که حکمت خدا به طور کامل مبرا از کوچکترین نقص و عیبی است به همین ترتیب هم قدوسیت خدا مبرا از کوچکترین عیب اخلاقی و نقص و آلودگی است . خدا از همان اول تاکید مخصوص بر روی قدوسیت خود دارد. می توان این گونه گفت که قدرت ، دست و بازوی خدا است، دانش، چشمان خدا است، رحمت دل خدا است، ابدیت ، بقای خدا است و در نهایت ، قدوسیت، زیبایی خدا است. برای کسانی که از گناهان خود آزاد شده اند، قدوسیت و پاکي خدا زیبایی خدا را جلوه گر می سازد. در کتاب مقدس ما با اصطلاحاتی مانند " نام مقتدر خدا " یا " نام دانای خدا " روبرو نمی شویم در حالی که اغلب واژه " نام عظیم خدا " را می بینیم ولی از همه بیشتر اصطلاح " نام قدوس خدا " را می خوانیم. چرا؟ به این دلیل که عنوان " خدای قدوس " والاترین لقبی است که شایسته خداوند است. این کاملیت خدا ، که او قدوس است بیش از هر واژه دیگری در حضور خدا، آن هم به صورت جدی اعلام می شود. ما در هیچ جای کتاب مقدس با تکرار " خدا رحیم، رحیم، رحیم است " یا " خدا کریم، کریم، کریم است " یا حتی " خدا محبت، محبت، محبت است " روبرو نمی شویم، با این که کلام خدا به صراحت می گوید: خدا محبت است. اما ما در کلام خدا می خوانیم که فرشته ها در حضور خدا، خدا را " قدوس، قدوس، قدوس " خطاب می کنند. چرا؟ چون قدوسیت خدا بیش از بقیه ی خصوصیات خدا حائز اهمیت است و ما باید به این خصوصیت خدا توجه مخصوصی داشته باشیم. خدا خودش این خصوصیت را با اهمیت خاصی به ما یادآوری می کند و ما در کلامش می خوانیم که می گوید: " به نام مقدس خود وعده دادم و هرگز آن را باطل نخواهم کرد... " (مزمور ۸۹: ۳۵). چرا خدا به قدوسیتش قسم می خورد؟ چون قدوسیت خدا بیش از هر خصوصیت دیگری نمایانگر کاملیت خدا است و به همین خاطر است که ما در کلام خدا تشویق می شویم که: " ای عزیزان خداوند، او را ستایش کنید! نام مقدس خداوند را بستایید (مزمور ۳۰: ۴) و این که ما باید " در لباس تقوی و پرهیزکاری ، به حضور خدا برویم. " (مزمور ۱۱۰: ۳) همان طور که قدرت خدا به خصائص خدا توانایی می دهد ، قدوسیت خدا هم به خصائص خدا زیبایی می دهد. اگر قدوسیت خدا آلوده و خدشه دار شود بقیه ی خصائص او شأن خود را از دست می دهند، درست مانند این که خورشید نور خود را از دست بدهد ، اگر اینطور شود ، پس حرارت، قدرت و نیروی حیات بخش خود را هم از دست می دهد و دیگر نمی شود به آن گفت: خورشید. همین طور در مورد خدا، عدالت خدا، عدالتی است مقدس، و حکمت او نیز مقدس است. " در وصف خداوند بسرایید، زیرا دست توانا و بازوی مقدسش او را پیروز ساخته است. " (مزمور ۹۸: ۱) هم چنین حقایق خدا یا وعده های خدا مقدس است : " خداوند وعده ی مقدس خود را به بنده ی خویش ابراهیم داده بود که نسل او را برکت دهد " (مزمور ۱۰۵: ۴۲). باید توجه داشت که حتی در نام خدا که نشانه ی خصوصیت خدایی مقرر شده است همراه با قدوسیت خدا هست. " ای جان من ، خداوند را ستایش کن! ای تمام وجود من ، نام مقدس او را ستایش کن! (مزمور ۱۰۳: ۱). ممکن است این سوال پیش آید که ما چگونه می توانیم قدوسیت خدا را ببینیم؟ اولاً قدوسیت خدا را در آن چه انجام داده است می توانیم ببینیم. تمام راه ها و کارهای خداوند با عدل و مقدس است (مزمور ۵۴: ۱۷-۱۴). از دست خدا هیچ چیز به غیر از آن چه عالی است بر نمی

آید. پس قدوسیت در واقع طریق کار خداوند است. از همان ابتدا زمانی که خدا دنیا را آفرید "آن گاه خداوند به آن چه آفریده بود نظر کرد و کار آفرینش را از هر نظر عالی دید." (پیدایش ۱: ۳۱). و نیز "خدا انسان ها را خوب و راست آفریده است." (جامعه ۷: ۲۹). در واقع می گوید: خدا انسان را شبیه خود آفرید (پیدایش ۱: ۲۶). خدا حتی فرشته هایی را هم که سقوط کردند پاک خلق کرده بود، چون کلام خدا می گوید: "خدا فرشتگانی را که مقام والای خود را حفظ نکردند و مکان اصلی خود را ترک نمودند در تحت ظلمت و در زنجیرهای ابدی نگه داشته است تا در روز داوری محکوم شوند." (یهودا ۶) و در باره شیطان هم می خوانیم که کلام خدا می گوید: "از روزی که آفریده شدی در تمام کارهایت کامل و بی نقص بودی تا این که شرارت در تو راه یافت." (حزقیال ۲۸: ۱۵). قدوسیت و کمال خدا نه تنها در آن چه او خلق کرده است آشکار است بلکه ما قدوسیت او را در احکامش هم می بینیم. احکام خدا هر گناهی را به هر نحوی که می خواهد باشد محکوم می سازد. حال می خواهد کبیره باشد یا صغیره. می خواهد یک تصمیم فکری باشد یا ضایع کردن بدن توسط انجام گناه. می خواهد خواهش مخفی درونی باشد یا عمل آشکار آن. در نظر خدا گناه، گناه است و در مقابل قدوسیت خدا هیچ تخفیفی برای گناه معین نشده است. به همین دلیل است که کلام خدا می گوید: "احکام خدا به خودی خود مقدس است، تمام احکام، مقدس و عادلانه و نیکو است." (رومیان ۷: ۱۲). بلکه فرامین خدا راست است و دل را شاد می سازد، اوامر خداوند پاک است و بصیرت می بخشد. قوانین خداوند قابل احترام و نیکو است و تا ابد برقرار می ماند. احکام خداوند تماما حق و عدل است." (مزمیر ۱۹: ۸-۹). خدا به خاطر قدوسیت خود از هر گناهی متنفر است و فقط آن چه را که با احکامش مطابقت دارد می پسندد و از هر چیز که بر خلاف احکامش باشد بیزار است. "خداوند از اشخاص کجرو نفرت دارد." (امثال ۳: ۳۲) و "از نقشه های پلید متنفر است." (امثال ۱۵: ۲۶). پس نباید جای تعجب باشد که خدا گناه را مجازات می کند چون خدا خدای قدوس از گناه متنفر است. غیر ممکن است که گناهی باشد که مستحق جریمه نباشد. به خاطر همین اجداد ما، آدم و حوا به خاطر ناطاعتی از یک حکم خدا از حضور خدا در باغ عدن رانده شدند. اکنون نیز همه ما چون از ذات آدم و حوا هستیم طبیعتا و ذاتا از خدا دور هستیم. پس اکنون تکلیف ما چیست؟ توجه کنید که خدا می خواهد ما را ببخشد ولی به خاطر قدوسیتش نمی تواند گناه را بی سزا بگذارد، پس دوباره می پرسیم تکلیف ما چیست؟ تکلیف این است که شخص گناه کار فقط و فقط به خاطر این که کس دیگری جریمه گناه را داده است بخشیده می شود، چرا؟ زیرا کلام خدا می گوید: "بدون ریختن خون، آمرزش گناهان میسر نمی شود." (عبرانیان ۹: ۲۲) متأسفانه به این دلیل که بشر از بدو تولد نفسانی است به طور کامل متوجه قدوسیت خدا نمی شود و فکر می کند که در هر حال رحمت خدا به هر شکلی شامل حال همه می شود، به خاطر همین طرز فکر است که کلام خدا می گوید: "شما) فکر کردید من هم مانند شما هستم!" (مزمور ۵۰: ۲۱) و این نوع طرز تفکر متأسفانه باعث می شود که اکثر عزیزان خدا را طبق طرز فکر خودشان تجسم کنند و بر طبق همین نوع افکار هم زندگی کنند و در انواع و اقسام گناهان باقی بمانند در حالی که خدا می گوید جریمه گناه مرگ است. (رومیان ۶: ۲۳). قدوسیتی که جز خصایص الهی است بسیار با آن چه ما می پنداریم تفاوت دارد. قدوسیت خدا کامل است. قدوسیت خدا ماورای توانایی انسانی ما است که بتوانیم به آن دسترسی پیدا کنیم. اکثر ما فکر می کنیم گناه فقط در انجام جنایات خاص است و برای تسکین وجدان خودمان به جای گناه از کلمات "اشتباه" و "نقص" و "ضعف" استفاده می کنیم در واقع ما سعی می کنیم که به نحوی گناه خود یا دیگران را توجیه کنیم. اما خدای قدوس و قادر مطلق مانند ما فکر نمی کند، او عمو نوروز نیست که زیرسبیلی گناهان ما را رد کند و بدون جریمه و تاوان همین طوری ما را ببخشد و بگوید: خب حالا اشکالی ندارد، خیر این طور نیست، خدای واقعی خدای قدوسی است، در کلام خدا می خوانیم که می گوید: "تو خدایی نیستی که گناه را دوست بداری و شرارت را تحمل کنی. تو از همه ی بدکاران نفرت داری." (مزمور ۵: ۴-۵). متأسفانه بشر به خاطر نفس گناه آلود خویش به چنین خدایی اعتقاد ندارد و ناراحت می شود اگر درباره خدایی که این طور قدوس است صحبت شود. بشر گناهکار دوست ندارد درباره ی قدوسیت خدا آن طور که کلام خودش درباره اش صحبت می کند تجسم کند، قدوسیتی که ایجاب می کند جهنمی واقعی و دریاچه ی آتشی برای عذاب ابدی گناه کاران طرح ریزی شده باشد. هم چنین ما قدوسیت خدا را در صلیب عیسای مسیح می بینیم. ممکن است این سوال را بپرسید که چگونه قدوسیت خدا را می توان در صلیب عیسای مسیح دید؟ مگر عیسای مسیح بر صلیب نرفت تا زجر بکشد، چه قدوسیتی را

می توان بر صلیب دید؟! اولاً صلیب مسیح به طور خیلی جدی و شگفت انگیزی قدوسیت بی حد و حصر خدا و نفرت خدا را نسبت به گناه نشان می دهد. چقدر گناه باید در دید خدا نفرت انگیز باشد که خدا گناه را تا نهایت به بهای مصلوب شدن عیسی مسیح مجازات کند. هیچ مجازاتی که این دنیای شرور قرار است ببیند و تجربه کند به پای آن چه که خدا با ریختن غضب خود بر عیسی مسیح بر روی صلیب انجام شد دیده نشده و دیده نخواهد شد. در واقع صلیب عیسی مسیح و مصلوب شدن عیسی مسیح که ذات الهی داشت نمایانگر نفرت بی حد و حصر خدای قدوس از گناه است. قدوسیت الهی خدا در مقابل گناه بشر، آن طور که خدا در عذاب مسیح دلبندهش بر روی صلیب دیده می شود در هیچ زمان دیگری دیده نمی شود. ما به طور واضحی این قدوسیت را در آن چه که مسیح بر بالای صلیب فریاد زد می بینیم که چه طور به خاطر دریافت جریمه گناه عیسی مسیح، یکپارچه منظره ای شد که حتی خدا، صورت پر مهر خودش را از عیسی مسیح بر می گرداند. ما در کتاب مقدس می خوانیم که عیسی مسیح بر بالای صلیب فریاد می زند: "ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده ای!" (مزمور ۲۲: ۱). و ما می توانیم در صلیب قدوسیت خدا را به حد اعلی ببینیم و متوجه می شویم که خدا چقدر از گناه نفرت دارد. اما به این دلیل که خدا قدوس است ما نمی توانیم به هر شکلی که می خواهیم مورد قبول او قرار بگیریم و از گناهانمان پاک شویم، ما ناپاک هستیم و او پاک است. آیا تاریکی می تواند با نور زندگی کند؟ آیا پاکی می تواند از ناپاکی لذت ببرد و خوشش بیاید؟ البته که نه. حتی بهترینی که بشر گناهکار می تواند ارائه دهد آغشته به بدی های خودش است. درختی که فاسد است نمی تواند میوه خوب بدهد. اگر خدا اجازه بدهد چیزی که مقدس نیست به حضور مقدسش بیاید، کاملیت خود را خدشه دار میکند. و غیر ممکن است که خدا اصالت خود را از دست بدهد. به راستی که باید خدا را شکر کرد که این خدای قدوس، خودش آن چه که قدوسیتش ایجاب می کرد با فیض عظیمش این قدوسیت را در عیسی مسیح فراهم کرد. هر شخص گناهکاری که به عیسی مسیح پناه برده در او پناهگاه و ملجا پیدا کرده. خدا را برای فیض پرشکوهش شکر و سپاس باد که ما را در عیسی مسیح پذیرفته است. (افسیان ۱: ۶). کلام خدا می گوید: تو در میان مقدسین مورد ستایش هستی، آنان با ترس و احترام گرداگرد تو ایستاده اند. (مزمور ۷: ۸۹) ما باید خداوند را ستایش کنیم و در پیشگاه او به خاک بیفتیم چون او مقدس است. (مزمور ۵: ۹۹). ما باید با ترس و احترام خداوند را عبادت کنیم. (مزمور ۱: ۲). "کسانی که مرا خدمت می کنند باید حرمت قدوسیت مرا نگاه دارند..." (لاویان ۱۰: ۳) هرچه قلب ما بیشتر متوجه حرمت و قدوسیت خدا می شود، خدا هم تقرب ما را به خودش بهتر و بهتر می پذیرد. چون خدا قدوس است ما هم باید مشتاق باشیم که شبیه او بشویم. او به ما این طور فرمان داده: شما باید پاک و مقدس باشید زیرا من پاک و مقدس هستم. (اول پطرس ۱: ۱۶) در هیچ جا در کلام خدا از ما خواسته نشده که مثل خدا قدرتمند باشیم یا مثل خدا از همه چیز آگاه باشیم، ولی از ما خواسته شده که مثل خدا پاک و مقدس باشیم. کلام خدا می گوید: "چنان که خدایی که شما را خوانده است پاک است شما نیز در تمام رفتارتان پاک باشید." (اول پطرس ۱: ۱۵). حال فکر می کنید که ما چگونه مقبول خدا می شویم؟ نه با تمجید های آن چنانی، نه با انجام اعمال مذهبی با ابزارهای شیوا. هیچ چیزی ما را مقبول خدا نمی کند مگر وقتی که با روح و زندگی پاک همانند خودش زندگی می کنیم. ولی چون فقط و فقط و فقط خدا سرچشمه این نوع پاکی و قدوسیت است ما با توانایی خود نمی توانیم چنین زندگی ای داشته باشیم مگر با ایمان آوردن به عیسی مسیح که ما را از گناهان پاک کرده و نیکی مطلق خود را به حساب ما گذاشته است. "کسی که با مسیح متحد است حیاتی تازه دارد، هر آن چه که کهنه بوده درگذشت و اینک زندگی نو شروع شده است. این ها همه از طرف خدایی است که به وسیله ی مسیح به جای این که گناهان ما را به حساب آورد ما را با عیسی مسیح مانند خود خدا کاملاً نیک نموده است." (دوم قرنتیان ۵: ۱۷ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۱).